

## پیشگفتار

معماری و هنرهای مرتبط با آن موضوعی است که به دلیل جامعیت و گستردگی نیاز به تحقیقات همه‌جانبه و گسترده دارد. تزیینات و هنرهای مرتبط با معماری همانند موزه‌های باز و دایرةالمعارف بزرگی است که در ابعاد مختلف قابل بررسی و تحقیق است، امروزه فضای تحقیقاتی کشور بستر مناسبی را برای این گونه تحقیقات فراهم کرده است و محققان می‌توانند با تکیه بر داشته‌های خود تحقیقات ارزشمندی انجام دهند. این کتاب که بخشی از تزیینات معماری ایران را در بر می‌گیرد، به همت سازمان «سمت» به‌خصوص ریاست فاضل و ارجمند آن جناب آقای دکتر احمدی و قائم‌مقام ایشان جناب آقای دکتر سید طه مرقاتی به زیور طبع آراسته می‌شود. بر خود لازم می‌دانم از راهنمایان و زحمات سرکار خانم دکتر زهرا رهنورد طراح و مجری «طرح ملی تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی» که اجازه دادند مجلدی از این طرح جامع به تزیینات معماری ایران اختصاص یابد تقدیر و تشکر نمایم. این مجلد با تکیه بر کاشی‌کاری و گچ‌بری در دو بخش تحولات تاریخی، تصویری و محتوای نقوش تزیینی و بخش انواع تزیینات در معماری اسلامی ایران در هفت فصل تنظیم شده است. در این فصول سعی بر آن بوده است تا به تحولات تاریخی، عملکردی و تا حدودی جنبه‌های زیباشناسانه آن نیز پرداخته شود. این تحقیق با مساعدت و همکاری خانم ماندانا منوچهری در بخش گچ‌بری و همچنین سرکار خانم دکتر زهرا موسوی، همسر و همکار تحقیقاتی‌ام، به زیور طبع آراسته شده است از همه ایشان و از ویراستار محترم خانم معصومه اروانه و همه همکاران در سازمان سمت که در بخشهای مختلف قبول زحمت نموده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

مسئله این تحقیق بدون عیب و نقص نیست، لذا از همه محققان و خوانندگان  
ارجمند تقاضا می‌شود که نظرات خود را برای اعمال اصلاحات لازم در گامهای بعدی  
ارائه نمایند و امید است این گونه تحقیقات شروعی باشد برای بخشهای مختلف معماری  
اسلامی ایران.

مهدی مکی نژاد (شکاری)

## مقدمه

هنرهای مرتبط با معماری که امروزه به همه آنها تزیینات گفته می‌شود نقش بسیار مهم و سهم بسزایی در هویت بخشی معماری ما دارند. اینکه این تزیینات چه هستند، چه نقشی دارند، نسبت آنها با معماری چیست از جمله سؤالات مهمی است که در این زمینه مطرح است. اصولاً دو دیدگاه کلی در این زمینه وجود دارد: یکی مبتنی بر عملکرد ظاهری (مادی) و دیگری مبتنی بر عملکرد معنایی و محتوایی. در این ارتباط کتابها و مقالات متعددی منتشر و چاپ شده است. آنها که نگاه شکل‌گرایانه (فرمالیستی) به تزیینات دارند معتقدند که تزیینات صرفاً یک پوشش ظاهری و فاقد هرگونه معنا و مفهوم دینی یا قومی و فرهنگی است. کاشی، سنگ، آجر یا گچ فرقی نمی‌کند، مهم پوشاندن سطوح ضمخت زیرین است و آنها هیچ وظیفه دیگری ندارند. درک هیل و اولگگ گرابر در این باره می‌گویند «تزیینات برای جان بخشیدن به سطح خالی دیوارها ضرورت دارد».<sup>۱</sup> آنها معتقدند که «تزیینات هیچ‌گونه معنای ذهنی و بعد فرهنگی ندارند و صرفاً برای آراستن و حظ بصرند؛ فقط در کتیبه‌ها معنای شبیه‌سازانه یافت می‌شود، لذا وی این نقوش را صرفاً تزیینی و فاقد بعد معنوی و سمبلیک می‌داند».<sup>۲</sup>

در مقابل این دیدگاه کسانی چون بورکهارت معتقدند «این نقوش ماهیتی غیرتاریخی، عرفانی و متفکرانه دارند و باز نمود وحدت در کثرت و کثرت در

---

۱. هیل و گرابر، معماری و تزیینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۹.

۲. مکی‌نژاد، مهدی، گزیده آثار استاد اصغر شریاف (گره و کاربندی) انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵، ص ۸.

وحدت‌اند.<sup>۱</sup> از این منظر تزیینات فقط یک پوشش ظاهری نیست بلکه دارای بطون و سطوح مختلف با معناهای نمادین و متعالی است، بزرگ‌ترین مشکل این دیدگاه فقدان اسناد و مدارک مکتوب در این زمینه است. تاکنون سند متقن و محکمی به دست نیامده که مباحث زیبایی‌شناسانه و مفاهیم باطنی تزیینات را تشریح کرده باشد. نقدی که بر این دیدگاه وارد است این است که این نظریات بیشتر معطوف به بنیانهای ذوقی و حسی نویسندگان است تا بنیانهای علمی و مکتوب، و از این رو مبانی علمی، مستند و محکم برای تبیین جایگاه اصلی تزیینات وجود ندارد.

به هر جهت تزیینات هر چه باشند بخشی از ساختار و هویت معماری ما را تشکیل می‌دهند. اگر ما پیکره‌های نگهبان (تلفیق شیر و انسان) دروازه ملل کاخ تخت جمشید و اگر نقش و نگارها و مقرنسهای مسجد امام اصفهان و کتیبه‌ها و نقوش زیر گنبد مسجد شیخ لطف‌الله را برداریم و حذف کنیم ماهیت و ساختار ترکیبی معماری به هم می‌خورد و دچار نقص می‌شود.

این تزیینات اصول و ضوابط خاصی دارند مهم‌ترین آنها عبارت است از: (۱) هماهنگی بین طرح، نقش و رنگ؛ (۲) نحوه ارتباط تزیینات با سطوح مختلف و فضاهای داخلی و خارجی؛ (۳) کیفیت مواد و مصالح کاربردی به همراه اجرای دقیق؛ (۴) اهمیت و ارزش عناصر تزیینی در کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین جزء (چه نقش یک گنبد باشد و چه یک کوبه در، هر دو به یک اندازه مهم‌اند)؛ (۵) میزان کیفیت، پختگی و خلاقیت طراحان و استادان.

برای یافتن و درک این اصول کافی است یکی از بناهای دوره صفوی مانند مدرسه چهارباغ را بررسی کنیم تا متوجه شویم که رنگ، نقش، مصالح و ... چگونه در هم تنیده و با مجموعه فضاها و محیط (درختان، آب و ...) یک کل واحد را تشکیل داده‌اند. شما ببینید فقط در ورودی مدرسه که به در هفت هنر مشهور است چه مقدار اهمیت دارد و چه اندازه در آن دقت و خلاقیت همراه با معنی نهفته است. برای هنرمند نقش عظیم گنبد همان‌قدر اهمیت داشته که نقش ریز یک کاشی.

اهمیت در بزرگی و کوچکی کار نبوده و او با ظرافت و دقت و عشق همه کارها را انجام داده است. در این گونه بناها هدف تزیینات و معماری یکی است و تزیینات مکمل و مقوم فضاها هستند.

در بررسی تاریخی تزیینات چند نکته مهم وجود دارد: یکی سیر تحول تاریخی و تدریجی تزیینات است که نشان می‌دهد تزیینات به یکباره ایجاد نشده‌اند بلکه به مرور زمان و همانند رشته‌ای به هم تنیده به دوره‌های قبل از خود متصل‌اند. نکته دوم همانا درج تاریخ‌نگاریها و ماده‌های تاریخی از قبیل ذکر نام اساتید، معماران - سازندگان در عناصر تزیینی مانند کاشی کاریها و گچ‌بری است. این اطلاعات جزء مستندات محکم تاریخی است که برای مطالعه و کنکاش در معماری بسیار راهگشا و ضروری و مؤثرند. نکته سوم تجلی و بازتاب نمادها، اسطوره‌ها و ... در آئینه تزیینات است که بخشی از فرهنگ تصویری هر دوره را نمایان می‌سازند.

در مجموع می‌توان گفت که تزیینات در معماری اسلامی ایران دو جنبه عمده دارند: یکی جنبه پوشاندن سطوح ناصاف و خشن با مصالح مناسب و مستحکم، و دیگری جنبه زیبایی‌شناسانه و محتوایی نقوش تزیینی. به زعم ما، تزیینات صورتهای نمادینی از هنر اسلامی بوده، علاوه بر جنبه‌های مختلف عملی و کاربردی در پی تجلی حقیقت ازلی و منعکس‌کننده فرهنگ و هنر ما در قالب رنگها، نقشها و حجمهای هندسی در فضاها معماری‌اند. برای درک زیبایی‌شناختی این نقوش باید به رمزهای تصویری و نمادهای فرهنگ اسلامی واقف بود. به هر جهت «تزیین در هنر اسلامی، برای بیان فضای قدسی است»<sup>۱</sup> و همواره هنرمندان ایرانی کوشیده‌اند تا ماده را به سوی ساحت معنا سوق دهند زیرا اساساً «هنر در پیش اسلامی شرافت بخشیدن به ماده است»<sup>۲</sup>.

برای شناخت دقیق تزیینات اسلامی و جلوه‌های خاص آن، باید ابعاد مختلف آن بررسی و مطالعه شود.

۱. رهنورد، زهرا، حکمت هنر اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۸، ص ۷۷.

۲. نصر، سیدحسین، جاودانگی و هنر (مجموعه مقالات)، ترجمه سیدمحمد آوینی، تهران، برگ، ۱۳۷۰، ص ۴۴.